

۱۱۰- همکام از دیگر هایی که در هزار میلیون نفر عاشورا وارد شدند

۱۱۱- همکام از دیگر هایی که در هزار میلیون نفر عاشورا وارد شدند

۱۱۲- همکام از دیگر هایی که در هزار میلیون نفر عاشورا وارد شدند

۱۱۳- همکام از دیگر هایی که در هزار میلیون نفر عاشورا وارد شدند

۱۱۴- همکام از دیگر هایی که در هزار میلیون نفر عاشورا وارد شدند

۱۱۵- همکام از دیگر هایی که در هزار میلیون نفر عاشورا وارد شدند

۱۱۶- همکام از دیگر هایی که در هزار میلیون نفر عاشورا وارد شدند

۱۱۷- همکام از دیگر هایی که در هزار میلیون نفر عاشورا وارد شدند

۱۱۸- همکام از دیگر هایی که در هزار میلیون نفر عاشورا وارد شدند

۱۱۹- همکام از دیگر هایی که در هزار میلیون نفر عاشورا وارد شدند

۱۲۰- همکام از دیگر هایی که در هزار میلیون نفر عاشورا وارد شدند

۱۲۱- شاه عباس اول بدلاً سپاهانی، نظامی و اقتصادی پایخت خود را به کدام شهد منقل کرد؟

۱۲۲- کدام سرمهجن، زاده و پیشکم را در آن دوره شد؟

۱۲۳- کدام داشتند دوره و نسلان در رسالت و قوش اجرام سلامی، شرطیه بجزی نوین به دوچرخه را امتحن کرد؟

۱۲۴- کدام افسران از سپاهانی که در رسالت و قوش اجرام سلامی، شرطیه بجزی نوین به دوچرخه را امتحن کرد؟

۱۲۵- خلاف فاطمیان در زمان کدام شاه به اوج قدرت سپاهانی، شکوهای فرهنگی و روحی اقتصادی داشتند؟

۱۲۶- کدام مورد، از خصوصیات کتاب «حدود العالم من الشرق الى المغرب» است؟

۱۲۷- انتخاب کتاب جغرافی ایرانی است.

۱۲۸- نویسنده آن علی‌بن حسن مسعودی است.

۱۲۹- کدام مورد، از دلایل تبدیل شعر قسطنطیلی به پایه‌گاه مهم قسطنطیلی ایرانی برای ایالات تأمین شده است؟

۱۳۰- بایه‌گاه و تکلیفات ایرانی روم است.

۱۳۱- دلایل شعر قسطنطیلی به پایه‌گاه مهم قسطنطیلی ایرانی روم است.

۱۳۲- کدام مورد، از دلایل تبدیل شعر قسطنطیلی به پایه‌گاه مهم قسطنطیلی ایرانی روم است.

۱۳۳- دلایل شعر قسطنطیلی به پایه‌گاه مهم قسطنطیلی ایرانی روم است.

۱۳۴- عده‌هایی شکل مالکیت زمین در ایران چه بود و از کدام در ایران رواج یافت؟

۱۳۵- اقطاع - دوران اسلامی

۱۳۶- شخصی - دوران باستان

۱۳۷- عمارت زیور مربوط به کدام پایه از شخصیت‌های سیاسی صدر اسلام است؟

۱۳۸- هائدا با امام علی (ع) بیست کرد، اما هیچ امام با تقاضای بیانی بدست گرفت حکومت برضی مناطق موافق نکرد، یعنی خود را شکست و

۱۳۹- کدام قریب به این مقدار شد تا تراحت هرات به دست شاه اسماعیل صفوی بود؟

۱۴۰- کدام قریب به این مقدار شد تا پسر احمد شاه کوتکان هند حکومه شدند

۱۴۱- خصیفیان از سلطان شرقی از اذکار از جنوب شرقی با حکومه کوتکان هند حکومه شدند

۱۴۲- شیخیخان سرکرد از ایل که شبههای خراسان را عورمه ناتوان و ناز خود از داده بود، به قتل رسید

۱۴۳- کمال الدین پهلوان، که از اولین خوش نشانی دریار شهوری به دریار صوفیان آمدند، پادشاهی کدام تمدن شدند؟

۱۴۴- عده‌ای شیخه به ایلان گشتن و معلم شیخی در ایلان گشتن باشد.

۱۴۵- کتابی که در حدود ۱۳۰۰ ق.م از دشتهای اروپایی شرقی به شبههای یونان آمدند، پادشاهی کدام تمدن شدند؟

۱۴۶- طایفه‌های پیاپیانگویی که در حدود ۱۳۰۰ ق.م از دشتهای اروپایی شرقی به شبههای یونان آمدند، پادشاهی کدام تمدن شدند؟

۱۴۷- کتابی که در حدود ۱۳۰۰ ق.م از دشتهای اروپایی شرقی به شبههای یونان آمدند، پادشاهی کدام تمدن شدند؟

۱۴۸- اثر اوپاوسنچ میانی «مکالمه ابولفالصم فرمودی»، به ترتیب جزو کدام دسته از منابع تاریخی به شمار معرفه شد؟

۱۴۹- کتاب طبقات - تاریخ عمومی - تاریخ مندوشه

۱۵۰- اثر اوپاوسنچ میانی «مکالمه ابولفالصم فرمودی»، به ترتیب جزو کدام دسته از منابع تاریخی به شمار معرفه شد؟

۱۵۱- کتاب طبقات - تاریخ ساسانی - تاریخ ساسانی - تاریخ مندوشه

۱۵۲- کتاب طبقات - تاریخ ساسانی - تاریخ ساسانی - تاریخ مندوشه

۳۰۵ - در ارتباط با سیر تکلور فلسفه اثراقی توپط شنید اش زیرا
و سایت DrfQ.com متناسب کرد

سال دوازدهم انتداب
جلسه شانزدهمین
دریکو.
www.DRIQ.com

مملکتیہ پر اسلام



-۳۱۳- درک کدام مورد مستلزم بپرده‌گیری صرف از قواعد شناخت عقلی نیست؟

- (۱) بسیاری از مباحث مریبوط به کل هستی
- (۲) ذات و صفات خداوند
- (۳) قانون و مصاديق علیت
- (۴) بسیاری از مسائل علم ریاضی

-۳۱۴- به ترتیب، باور نسبی‌گرایی بر چه مبنایی استوار است و اوگوست کنت به چه چیز معتقد نبود؟

- (۱) نسبی بودن اعتبار شناخت - تنها اموری که حس می‌شوند، ارزش پژوهش و تحقیق را دارند.
- (۲) معتبر بودن شناخت هر فرد برای همه اشخاص - به طور کلی، امور مواره‌حسی ارزش معرفتی ندارند.
- (۳) نسبی بودن شناخت فرد و اعتبار شناختش - اموری که از طریق تجربه به دست می‌آیند، معرفت محسوب می‌شوند.
- (۴) نسبی بودن شناخت هر فرد مناسب با ویژگی‌های خود - عقل ابزار کسب معارف غیرحسی است.

-۳۱۵- به عقیده علامه طباطبائی، ریشه نظر ملاصدرا در کار کدام فیلسوفان پیش از او به چشم می‌خورد؟

- (۱) شیخ بهایی - ابن‌سینا - خواجه نصیرالدین طوسی
- (۲) معلم ثانی - ابن‌سینا - سهروردی
- (۳) میرداماد - شیخ بهایی - شیخ اشراق
- (۴) میرداماد - معلم اول - شیخ بهایی

-۳۱۶- کدام جریان فکری در دوره جدید اروپا، حضور فعال تر و تأثیرگذارتری بر فرهنگ و زندگی اروپاییان معاصر داشته است و عقیده آن جریان فکری چه بود؟

- (۱) عقل‌گرایی - همانند فلاسفه نخستین یونان، معتقد به وجود «روح» یا «نفس» بودند.
- (۲) حس‌گرایی - همانند فلاسفه نخستین یونان، حقیقت انسان را «روح» یا «نفس» می‌دانستند.
- (۳) تجربه‌گرایی - «روح» یا «نفس» را چیزی فرعی نسبت به بدن تلقی می‌کردند.
- (۴) عقل‌گرایی - روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا هستند و خاصیت‌های متفاوت دارند.

-۳۱۷- به ترتیب، «معتقدین به روح و بدن» و «معتقدین به انسان تک‌ساختی» در کدام گزینه به درستی آمده است؟

- (۱) افلاطون و ارسطو - کانت و هایز
- (۲) دکارت و کانت - هایز و مارکس
- (۳) داروینیست‌ها و دکارت - کانت و مارکس

-۳۱۸- کدام عبارت در توصیف سهروردی درست نیست؟

- (۱) نه تنها یکی از فیلسوفان بزرگ جهان اسلام است بلکه همچنین یک عارف و سالک الی الله محسوب می‌شود.
- (۲) برای توصیف بی‌قراری و کوشش روح برای رسیدن به جایگاه اصلی اش، شعری به زبان عربی سرود و وضعیت روح را با بیانی تمثیلی، در آن شرح داد.
- (۳) با بهره‌مندی از الهامات و اشرافات معنوی، بسیاری از حقایق را از طریق شهود درونی به دست آورد و تلاش کرد آن‌ها را به زبان فلسفه و استدلل بیان کند.

(۴) او عقیده داشت که نفس انسان، همان جنبه نورانی وجود و جسم و بدن او، همان جنبه ظلمانی است.

-۳۱۹- با توجه به دیدگاه‌های فیلسوفان دوره یونان باستان در مورد معیار فعل اخلاقی؛ به ترتیب، افلاطون و ارسطو از چه واژه‌هایی و به چه معنایی استفاده کردند؟

- (۱) اعدال - عدالت - حد وسط بین افراط و تفریط - حاکمیت عقل بر سایر قوای انسانی
- (۲) عدالت - اعدال - حاکمیت عقل بر سایر قوای انسانی - حد وسط بین افراط و تفریط
- (۳) عدالت - اعدال - حد وسط بین افراط و تفریط - حاکمیت عقل بر سایر قوای انسانی
- (۴) اعدال - عدالت - حاکمیت عقل بر سایر قوای انسانی - حد وسط بین افراط و تفریط

-۳۲۰- دیدگاه ابن‌سینا در فلسفه اخلاق پیشتر به دیدگاه نزدیک است و به عقیده فیلسوفان مسلمان، شناخت فضائل و رذائل

(۱) افلاطون و ارسطو - مشروط به وجود پشتوانهای از جنس خداست و بنابراین اگر خداوند ما را به کسب فضائل ترغیب نماید، عمل به آن‌ها قطعی و حتمی می‌شود.

(۲) دکارت و کانت - امری ذاتی است و به وسیله عقل نیز قابل درک است؛ اما این تمایل ذاتی به تنها‌ی برای ترک رذائل و کسب فضائل اخلاقی کافی نیست.

(۳) دکارت و کانت - مشروط به وجود پشتوانهای از جنس خداست و بنابراین اگر خداوند ما را به کسب فضائل ترغیب نماید، عمل به آن‌ها قطعی و حتمی می‌شود.

(۴) افلاطون و ارسطو - امری ذاتی است و به وسیله عقل نیز قابل درک است؛ اما این تمایل ذاتی به تنها‌ی برای ترک رذائل و کسب فضائل اخلاقی کافی نیست.

- در کدام پست، همه آرایه‌های «تشییه - نقاد - تلمیح - گفتار» وجود دارد؟
 ۱) مکتد از جهن خود شیرین، محل نیشان
 ۲) لکسوس روح می‌رسد از سله سخدم
 ۳) زما دالتسور نیستی مانسپرای شد
 ۴) حسن بوسف کند آن دوز جهان را داشن

- اگر بخواهم بسته‌های زورا به ترتیب تاقتن از این‌طور «حسن تعلیل و استفاده - تشییه و حسن تدلیل - آیام و تناسب - چنان نافع و ایلام تناسبه» موبایل کنم کوتاه درست است؟
 ۱) بر روی سبیح مشترقی از شام کرده خال
 ۲) اب در دسته‌گردسان سمعک افتساده
 ۳) گرداده از مهر تو جون ساه ایکشن‌هایی سر از دریچه چوبین شاخ بر می‌کرد
 ۴) الله بروش دوز خاروی از شب فکره زلف

- همه آرایه‌های ذکر شده در قریبتهای زید و جود دارای یک کتاب
 ۱) عبارت شرود و قیاس ایستاده نظرخواه اسرود فوسته پیامد آنکه افراد
 ۲) محظی کم اکنیست ایزدی لیس اتفاقیه نوشت پادشاه ایزو دریا یک کتاب
 ۳) ایغراز تبرخی ایوکاتن ایند اکدیان حلیکران اججه، پیشلی

- کمال گرمه می‌باشد مانع مانع بختی از خود بختی از وابدی زد باشد؟
 ۱) هنگامه - چلن - هور - پیتا کرمود - مدان
 ۲) آلم قد زارا - موشار - خودنده - ایزوخون
 ۳) حیثیت مردم - به شتاب زوچه - چلاک - شیر - اوژولی
 ۴) نعمه - کوتنا - چپک - می‌زونه

- منظ چند واد درست است؟
 ۱) موقه انسانی نامه و فرمولی اخنیه کوون ایلاری (ریوب) ایل (ایزو) ای عدوه (ایسه) اغارب (قوس زبرگوون)
 ۲) بهیمه (هیزم) اولان (هیکام) اکام (ریکاب) اتلنک (طلب مولانی)

- می‌شوده از تندی تغییر و سرماوار
 ۱) شنیده - ایلام
 ۲) تند - شداد

- همو از آنچه خنده، در برای کام گرفته درست است؟
 ۱) چشم تا ایست او همچو که می‌گذرد
 ۲) چوش کسل بر کرده چیز پرشه دیوار را
 ۳) چوچه چن مقنار ایقام به تالبان گذشت
 ۴) از نیمه مصیر چشم ایماعن دام هرسزا

- در نظرها که شریته سیاه تکاه داشته باشد، بر زمین ریخته شود؟
 ۱) چهار
 ۲) دو
 ۳) یک

- در منزه زدن غلط امداد و مدد دارد؟
 ۱) ملهه را اندیشه چشم می‌باید کردانین و رایت عنم را افسد کوون و نصرت و فتح را حلیمه فانت و شامیه
 ۲) دست خالی من به بیش پاپن دام هرسزا

- از این افساده ایتماده ایمسا زمان دام هرسزا شداد - تنبیه
 ۱) از این افساده ایتماده ایمسا زمان دام هرسزا شداد - تنبیه
 ۲) از این افساده ایتماده ایمسا زمان دام هرسزا شداد - تنبیه

- می‌شوند و معاقب و خواسته ایزمه و ایزمه و ایوال و دیوار و جول و مخاطره بیکار به تحریره داشته، مکنده که شنگر به ده خانه شیخاله
 ۱) می‌شوند و معاقب و خواسته ایزمه و ایزمه و ایوال و دیوار و جول و مخاطره بیکار به تحریره داشته، مکنده که شنگر به ده خانه شیخاله

- که خضر بادیه عشقی، این‌ین چشم
 ۱) بکلهه دار گرست چن عنی ایست
 ۲) بکلهه دار گرست چن عنی ایست
 ۳) بکلهه دار گرست چن عنی ایست
 ۴) بکلهه دار گرست چن عنی ایست

- که بزر ریگان دل بایند نهاد
 ۱) بکلهه دار گرست چن عنی ایست
 ۲) بکلهه دار گرست چن عنی ایست
 ۳) بکلهه دار گرست چن عنی ایست
 ۴) بکلهه دار گرست چن عنی ایست

- که در کدام پست غلط امداد و مدد دارد؟
 ۱) مسلمان گر پیله در و چین باشد مخلف را
 ۲) سر بیوسه دارد با عصا در بوسان ریگ
 ۳) به عیوان عیادت ساخت مدار سرا افسون
 ۴) سعفان غالب و چین بخت لیسان خنثه

- خردش کلله و چون چشم ریسان بیمار
 ۱) عبارت‌های کدام قریب، فلان غلط امدادی است؟
 ۲) تهداد و ترکیب‌های وضیعی در کدام پست متفاوت است؟
 ۳) که در کلار سرایش زویی صورت ایشان کسی است
 ۴) حواره ایست بین یوق در این چیز و یوند، که عصب ملک خون من خال دارد و پیوه دیلات و موروت مخدود است میان دل

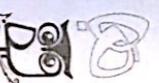
- کدام جون در منشا و مولد و میان اقربا به جان اینم تیون دل بر قوی اهل و دوستان و فرزندان و بیوستگان خوبی کند
 ۱) به شرط خصوع و ایکنکی بیش رضم و سخن تغیر گم کسر در خلیفت سخن بیان ایست که وقت تأثیر در طیبع بدید اید

- هر که این خلعت راضیات عمر خوش سازه و مر جانب که وی بعد از این بیش او معتبر نکرده و مستنت غربت او را مولست بدی کرده
 ۱) ایلان الطیش کوئی است مر میگان ای طالم
 ۲) نفسم افسار است و سا افسار ای ایلام
 ۳) به جون عاشق تنه است ای زیم چشم شهلاش

- کوچک‌مردی می‌کند بیوسته و دالم بس جاست
 ۱) بیکد سرر مقلات و نمی‌جنیز جسا
 ۲) عصف دویله است و سا افسار ای ایلام
 ۳) نکنون عرض (سلمان هراتی) ای ایست های مصادیل (عصممه ایام) ای ایلاق محسنی (غدرالذین علی صفتی) ای ایلسست نامه (خواجه)

- که من خود را دیدم تا به کفر دان دعن رفم
 ۱) قلوب تنه ای ایلعلی نصرالله مشتی
 ۲) چه مورت کار ای شکی توان دیدن داشن را
 ۳) گرنه زمان است کاک و ما همه زنده ایم

- در کدام کوتاه زورا به ترتیب تاقتن از این‌طور «حسن تعلیل و استفاده - تشییه و حسن تدلیل - آیام و تناسب - چنان نافع و ایلام تناسبه» موبایل کنم کوتاه درست است؟
 ۱) نام بیدار و نونه کوکنک دیو و دیو آن درست کر شد است
 ۲) مکشواره عرض (سلمان هراتی) ای ایست های مصادیل (عصممه ایام) ای ایلاق محسنی (غدرالذین علی صفتی) ای ایلسست نامه (خواجه)
 ۳) چست هر سمو ای سساد شنیده، زنگیریه!



٦ | نبيان عربي (عمومي) | ١- المخطط التفصيلي
رسالت DrIQ.com | ٢- ملخص رسالت إلى درويش بار

1

"**أبو الحسن المظلمة**:

٤٢٣ - ٤٢٤ يناسب النقش التالي بحافة تم أصبغ عن الأسلطة الاتالية بما يناسب النقش (٤٢٣ - ٤٢٤):

قد موت على ذراية الإنسان أحداث علية أثرت على حياته بأثراً بالغاً... فالحياة لا ينتهي إلا بالموت، فمخلصات العادات والتقاليد والرسائل والمساهمات التي ظهرت في مطلع القرن العشرين من عمر هذه الأحداث هو المبرهنة الصالحة التي ينبع منها كل إنجاز إنساني.

في دراسة موسوعية، يذكر أن نسبة النساء اللاتي يعانين من اضطرابات المenses تصل إلى 30%، بينما يقدر انتشار الاضطرابات العصبية لدى النساء بـ 15%.

وقد ان احترفت الامة العبرية، صفت مدارجها التي ينبع دينها من انسان وبواسمه وذاته، فمساواة الرجال بغيرهن كالضم والتفتح ازيداً مما شهدناه، وظهرت المسائل و لما تفجرت المسائل لم يكن باستطاعته الانسان ان يعلم في منزلة فمساواة الرجال بغيرهن.

المنابل، فالصينيون المحسنون يستخدمون كل إنسان يعيش في بيته بحسب طبيعته، مما أدى زيادة إنتاج المعاملات والبضائع.

٢٨ - مُعَنِّي الخطأ عن الألات:
١) تزيد من انتشار المرض.
٢) تُسْهِل إعمال الإنسان كثيراً.

٤- تمثل بواسطة قوة مدخلات العواملات وقوه الرياح
٥- تمثل بواسطه قوه المدخلات وقوه المدخلات
٦- مني بغير التغيرة المتساعحة
٧- لم يكن تمثل إلا بواسطه قوه المدخلات

لـ**الإذاعة والتلفزيون**، حيث يُعد مصدراً ثالثاً للبيانات، وذلك لأن الإذاعة والتلفزيون يُعد وسلاً إعلامياً يُوجه إلى جمهور عريض، مما يزيد من انتشار المعلومات.

-٣٨- **عن المصيغ:** *الكتاب العظيم*، طبعة معاشرة، ج ٢، ص ٣١٠

١٢ كرت الألوان في الفنون التشكيلية عشر تحصل وبطولة قوية للرجال
١٣ بذلت جهوداً متواصلة ومستمرة لإنجاح المهرجان

١٤ ألم حدث في تاريخ الإنسان سبب موت الإنسان
١٥ بعد طلاق المرأة اضطررت للزواج من امرأة
١٦ ملائكة الله يناديونني بـ(الآن)
١٧ أنا ملائكة الله

١) ازداد عدد سکان الدن سریعاً و بعد طوره المسماة عن العطا

٢٣ مار بايدن العامل المادي تراويبالستفال
٢٤ العقوبات ضد إسرائيل وتحقيق السلام
٢٥ العقوبات ضد إيران وتحقيق السلام

- عُنّي بالصحّيحة في الإعراب والتحليل المصري (٢٣ - ٢١):
- اختفت الأدوات المساعدة ولا مكان لها في العمل

(١) فلم يكتفى بالخطاب - مموجون بلاجئي / أهل و العاملة فدانة
- ٤٠ -
ولا تنسى:

٢٣٥٦ - محدث نلاطي (صادر عن) - محجول اعمل بنات فاعله و المسنة عاده
٢٣٥٧ - محدث نلاطي (صادر عن) - محجول اعمل بنات فاعله و المسنة عاده

٤) للنار - مسحورة نارياً - معلوم - مورب أفال من قاتله و المسحة فوارة
٥) المسح - مسح - مسح - مسح - مسح

١) للنافذة - مروريد نازوري من باب «حقنل» - معلم افدل و فاعله «الملعنة»
٢) «معززات»



دین و زندگی

- مفهود:

گرفتن امن برخی از انسان ها در میار فرقی «... لی نظریه نارا و سیلیون شعیر» بازتاب کدامیں عمل و درود را زنده چه مفهومی است؟

(۱) خود را در توجه پذیرش دعوت شیطانی که به انسان سلطنه است - عدم فوایرس در قیامت

(۲) خود را در توجه پذیرش دعوت شیطانی که به انسان سلطنه است - دیدن بطل اعمال

(۳) خود را مل شنی که به ناخن اموال را اسماح کردند - دیدن بطل اعمال

(۴) نسبت بودن افراد و معلوم حوقایات مشترک بوجیست و نجاشت چند چیز است؟

(۵) این حقیقت که جوان حلال گشت باشد - ۹ چیز

(۶) در صورتی که خون چندنه داشته باشد - ۱۱ چیز

(۷) در سورتی که خون چندنه داشته باشد - ۹ چیز

(۸) باعسل تنیر به آیات قرآن کریم به توبیه باره بکاری از دیگر مکار و در روز رستاخز چه بیانی دارد؟

(۹) نسبت بودن افراد و معلوم حوقایات مشترک بوجیست و نجاشت چند چیز است؟

(۱۰) در صورتی که جوان حلال گشت باشد - ۱۱ چیز

(۱۱) در صورتی که خون چندنه داشته باشد - ۹ چیز

(۱۲) در صورتی که خون چندنه داشته باشد - ۹ چیز

(۱۳) در صورتی که خون چندنه داشته باشد - ۹ چیز

(۱۴) باعسل تنیر به آیات قرآن کریم به توبیه باره بکاری از دیگر مکار و در روز رستاخز چه بیانی دارد؟

(۱۵) نسبت بودن افراد و معلوم حوقایات مشترک بوجیست و نجاشت چند چیز است؟

(۱۶) در صورتی که خون چندنه داشته باشد - ۹ چیز

(۱۷) در صورتی که خون چندنه داشته باشد - ۹ چیز

(۱۸) در صورتی که خون چندنه داشته باشد - ۹ چیز

(۱۹) در صورتی که خون چندنه داشته باشد - ۹ چیز

(۲۰) در صورتی که خون چندنه داشته باشد - ۹ چیز

(۲۱) در صورتی که خون چندنه داشته باشد - ۹ چیز

(۲۲) در صورتی که خون چندنه داشته باشد - ۹ چیز

(۲۳) در صورتی که خون چندنه داشته باشد - ۹ چیز

(۲۴) در صورتی که خون چندنه داشته باشد - ۹ چیز

(۲۵) در صورتی که خون چندنه داشته باشد - ۹ چیز

(۲۶) در صورتی که خون چندنه داشته باشد - ۹ چیز

(۲۷) در صورتی که خون چندنه داشته باشد - ۹ چیز

(۲۸) در صورتی که خون چندنه داشته باشد - ۹ چیز

(۲۹) در صورتی که خون چندنه داشته باشد - ۹ چیز

(۳۰) در صورتی که خون چندنه داشته باشد - ۹ چیز

البرة

(۱) البردة

(۲) البردة

(۳) البردة

(۴) البردة

(۵) البردة

(۶) البردة

(۷) البردة

(۸) البردة

(۹) البردة

(۱۰) البردة

(۱۱) البردة

(۱۲) البردة

(۱۳) البردة

(۱۴) البردة

(۱۵) البردة

(۱۶) البردة

(۱۷) البردة

(۱۸) البردة

(۱۹) البردة

(۲۰) البردة

(۲۱) البردة

(۲۲) البردة

(۲۳) البردة

(۲۴) البردة

(۲۵) البردة

(۲۶) البردة

(۲۷) البردة

(۲۸) البردة

(۲۹) البردة

(۳۰) البردة

عن الماء

(۱) عن الماء

(۲) عن الماء

(۳) عن الماء

(۴) عن الماء

(۵) عن الماء

(۶) عن الماء

(۷) عن الماء

(۸) عن الماء

(۹) عن الماء

(۱۰) عن الماء

(۱۱) عن الماء

(۱۲) عن الماء

(۱۳) عن الماء

(۱۴) عن الماء

(۱۵) عن الماء

(۱۶) عن الماء

(۱۷) عن الماء

(۱۸) عن الماء

(۱۹) عن الماء

(۲۰) عن الماء

(۲۱) عن الماء

(۲۲) عن الماء

(۲۳) عن الماء

(۲۴) عن الماء

(۲۵) عن الماء

(۲۶) عن الماء

(۲۷) عن الماء

(۲۸) عن الماء

(۲۹) عن الماء

(۳۰) عن الماء

عن الماء

(۱) عن الماء

(۲) عن الماء

(۳) عن الماء

(۴) عن الماء

(۵) عن الماء

(۶) عن الماء

(۷) عن الماء

(۸) عن الماء

(۹) عن الماء

(۱۰) عن الماء

(۱۱) عن الماء

(۱۲) عن الماء

(۱۳) عن الماء

(۱۴) عن الماء

(۱۵) عن الماء

(۱۶) عن الماء

(۱۷) عن الماء

(۱۸) عن الماء

(۱۹) عن الماء

(۲۰) عن الماء

(۲۱) عن الماء

(۲۲) عن الماء

(۲۳) عن الماء

(۲۴) عن الماء

(۲۵) عن الماء

(۲۶) عن الماء

(۲۷) عن الماء

(۲۸) عن الماء

(۲۹) عن الماء

(۳۰) عن الماء

عن الماء

(۱) عن الماء

(۲) عن الماء

(۳) عن الماء

(۴) عن الماء

(۵) عن الماء

(۶) عن الماء

(۷) عن الماء

(۸) عن الماء

(۹) عن الماء

(۱۰) عن الماء

(۱۱) عن الماء

(۱۲) عن الماء

(۱۳) عن الماء

(۱۴) عن الماء

(۱۵) عن الماء

(۱۶) عن الماء

(۱۷) عن الماء

(۱۸) عن الماء

(۱۹) عن الماء

(۲۰) عن الماء

(۲۱) عن الماء

(۲۲) عن الماء

(۲۳) عن الماء

(۲۴) عن الماء

(۲۵) عن الماء

(۲۶) عن الماء

(۲۷) عن الماء

(۲۸) عن الماء

(۲۹) عن الماء

(۳۰) عن الماء

عن الماء

(۱) عن الماء

(۲) عن الماء

(۳) عن الماء

(۴) عن الماء

(۵) عن الماء

(۶) عن الماء

(۷) عن الماء

(۸) عن الماء

(۹) عن الماء

(۱۰) عن الماء

(۱۱) عن الماء

(۱۲) عن الماء

(۱۳) عن الماء

(۱۴) عن الماء

(۱۵) عن الماء

(۱۶) عن الماء

(۱۷) عن الماء

(۱۸) عن الماء

(۱۹) عن الماء

(۲۰) عن الماء

(۲۱) عن الماء

(۲۲) عن الماء

(۲۳) عن الماء

(۲۴) عن الماء

(۲۵) عن الماء

(۲۶) عن الماء

(۲۷) عن الماء

(۲۸) عن الماء

(۲۹) عن الماء

(۳۰) عن الماء

عن الماء

(۱) عن الماء

(۲) عن الماء

(۳) عن الماء

(۴) عن الماء

(۵) عن الماء

(۶) عن الماء

(۷) عن الماء

(۸) عن الماء

(۹) عن الماء

(۱۰) عن الماء

(۱۱) عن الماء

(۱۲) عن الماء

(۱۳) عن الماء

(۱۴) عن الماء

(۱۵) عن الماء

(۱۶) عن الماء

(۱۷) عن الماء

(۱۸) عن الماء

(۱۹) عن الماء

(۲۰) عن الماء

(۲۱) عن الماء

(۲۲) عن الماء

(۲۳) عن الماء

(۲۴) عن الماء

(۲۵) عن الماء

(۲۶) عن الماء

(۲۷) عن الماء

(۲۸) عن الماء

(۲۹) عن الماء

(۳۰) عن الماء

عن الماء

(۱) عن الماء

(۲) عن الماء

(۳) عن الماء

(۴) عن الماء

(۵) عن الماء

(۶) عن الماء

(۷) عن الماء

(۸) عن الماء

(۹) عن الماء

(۱۰) عن الماء

(۱۱) عن الماء

(۱۲) عن الماء

(۱۳) عن الماء

(۱۴) عن الماء

(۱۵) عن الماء

(۱۶) عن الماء

(۱۷) عن الماء

(۱۸) عن الماء

(۱۹) عن الماء

(۲۰) عن الماء

(۲۱) عن الماء

(۲۲) عن الماء

(۲۳) عن الماء

(۲۴) عن الماء



85- The government has passed a new law to the pollution caused by factory emissions by 15% over the next five years.

PART C: Reading Comprehension
Directions: In this part of the test, you will read two passages. Each passage is followed by four questions. Answer the questions by choosing the best choice, (1), (2), (3), or (4). Then mark your answer sheet.

Passage 1:

Recycling can be defined as the process of converting waste materials into new materials and objects. It can save material and help lower greenhouse gas emissions. The aim of recycling is to avoid "conventional" waste disposal. It contributes to the prevention of the waste of potentially useful materials and reduces the consumption of fresh raw materials, thereby reducing energy usage, air pollution, and water pollution.

Recycling is a key component of modern waste reduction and is the third component of the "Reduce, Reuse, and Recycle" whose aim is to extract the maximum practical benefits from products and to generate the minimum amount of waste.

Recyclable materials include many kinds of glass, paper and cardboard, metal, plastic, tires, textiles, and electronics. The composting or other reuse of biodegradable waste – such as food or garden waste – is also considered recycling.

Much of the difficulty inherent in recycling comes from the fact that most products are not designed with recycling in mind. The concept of sustainable design aims to solve this problem. This approach suggests that every product on the market (and all packaging they require) should have a complete "closed-loop" cycle mapped out for each component – a way in which every component will either return to the natural ecosystem through biodegradation or be recycled indefinitely.

93- The tone of the passage could be best described as

- 1) critical
- 2) hopeful
- 3) informative
- 4) sad

94- According to the passage, which of the following is NOT reduced by recycling?

- 1) pollutants in the air
- 2) use of energy
- 3) water pollution
- 4) fresh raw materials

95- According to the passage, all of the following are TRUE, EXCEPT

- 1) recycling will help save the planet by increasing greenhouse gases
 - 2) the aim of "Reduce, Reuse, and Recycle" is to minimize waste and maximize benefit
 - 3) in sustainable design, little or no industrial waste remains in the nature for a long time
 - 4) "biodegradable" refers to a type of product that can easily go back to nature
- 96- The underlined pronoun "they" in the last paragraph refers to
- 1) approach
 - 2) product
 - 3) market
 - 4) cycle

PART B: Cloze Test
Directions: Questions 88-92 are related to the following passage. Read the passage and decide which choice, (1), (2), (3), or (4), best fits each space. Then mark your answer sheet.

Less than 100 years ago, even the fastest ship took more than a week to cross the Atlantic Ocean. Today most jet airliners can make this 3,000-mile (4,800-km) journey in less than seven hours. Powerful jet engines ...88... the fastest combat aircraft to reach speeds in excess of 1,500 mph (2,400 km/h) ...89... Even ordinary jet airliners fly at more than 530 mph (850 km/h). Modern aircraft ...90... with advanced technology to help them fly safely and ...91... at great speed. Sophisticated electronic control and navigation systems keep the airplane on course. Computer-designed wings help cut ...92... And airframes (aircraft bodies) are made of metal alloys and plastic composites.

- 88- 1) enable
 - 2) provide
 - 3) let
 - 4) collect
- 89- 1) twice more than as fast as sound
 - 2) as fast as sound more than twice
 - 3) twice faster as sound
 - 4) more than twice as fast as sound
- 90- 1) packed
 - 2) being packed
 - 3) are packed
 - 4) are being packed
- 91- 1) accidentally
 - 2) importantly
 - 3) economically
 - 4) gradually
- 92- 1) costly fuel
 - 2) fuel costs
 - 3) fuels cost
 - 4) cost fuel

**Passage 2:**

Many animals hibernate for the winter. They stock up on food and hide away in a hole or cave to escape the snow and cold. Scientists now believe early human beings may have hibernated too. The scientists looked at the fossils of bones from our early ancestors who lived around 430,000 years ago. The bones were found in a site in the north of Spain. They say that the signs of damage on the bones they examined are similar to those on the bones of animals who hibernate, like bears. They also say that early humans may have hibernated to escape the extreme cold. Winters were much colder hundreds of thousands of years ago.

The scientists looked at the bones of several dozen humans. Scientist Antonis Bartsiokas said there is evidence that early humans slowed down their metabolism so they could survive longer in winter without food. However, humans could not slow their metabolism like a bear. Bears can wake up after months of hibernation and their body will be the same as when they went into hibernation. The bones of the early humans showed people suffered health problems because of hibernation. Many of the problems were caused by a lack of vitamin D, which we get from sunlight. This can make our bones weaker.

97- What is the best title for the passage?

- 1) Winters Were Much Colder in the Past
- 2) Bears and Humans Might Have a Common Ancestor
- 3) Scientists Find Fossils of Early Humans in Spain
- 4) Early Humans May Have Hibernated in Winter

98- According to the passage, which of the following is TRUE about hibernation?

- 1) It decreases our metabolism so that we need less food to survive.
- 2) Human beings used it in the past to escape from wild animals like bears.
- 3) Bears, very much like early humans, suffered from months of hibernation.
- 4) Signs of hibernation in an animal can only be seen when it is fossilized.

99- It can be concluded from the passage that

- 1) there are not many fossils left from our early ancestors because they had weak bones
- 2) early humans did not survive because of the health problems caused by hibernation
- 3) the area which is now called "North of Spain" was probably extremely cold in the past
- 4) bears do not need vitamin D, otherwise they would suffer from hibernation like early humans

100- The underlined word "those" in the first paragraph refers to

- 1) scientists
- 2) animals
- 3) bones
- 4) signs

علم جستجوی مکدود و مذکور است. معلوی شدید از اینجا راه از جان مانده

وقتی مومنانش باید دلخواه خود را باور نمایند. مولوی می‌گفت که اینها و شنیدن از آنها مذکور است.

این از میوه‌های اندامیه مذکور است. معلوی می‌گفت که اینها و شنیدن از آنها مذکور است.

بیوی خون افواره و گرفته و بدهی اینها و شنیدن از آنها مذکور است.

این از میوه‌های اندامیه مذکور است. معلوی می‌گفت که اینها و شنیدن از آنها مذکور است.

بیوی خون افواره و گرفته و بدهی اینها و شنیدن از آنها مذکور است.

این از میوه‌های اندامیه مذکور است. معلوی می‌گفت که اینها و شنیدن از آنها مذکور است.

این از میوه‌های اندامیه مذکور است. معلوی می‌گفت که اینها و شنیدن از آنها مذکور است.

این از میوه‌های اندامیه مذکور است. معلوی می‌گفت که اینها و شنیدن از آنها مذکور است.

این از میوه‌های اندامیه مذکور است. معلوی می‌گفت که اینها و شنیدن از آنها مذکور است.

این از میوه‌های اندامیه مذکور است. معلوی می‌گفت که اینها و شنیدن از آنها مذکور است.

این از میوه‌های اندامیه مذکور است. معلوی می‌گفت که اینها و شنیدن از آنها مذکور است.

این از میوه‌های اندامیه مذکور است. معلوی می‌گفت که اینها و شنیدن از آنها مذکور است.

این از میوه‌های اندامیه مذکور است. معلوی می‌گفت که اینها و شنیدن از آنها مذکور است.

این از میوه‌های اندامیه مذکور است. معلوی می‌گفت که اینها و شنیدن از آنها مذکور است.

این از میوه‌های اندامیه مذکور است. معلوی می‌گفت که اینها و شنیدن از آنها مذکور است.

این از میوه‌های اندامیه مذکور است. معلوی می‌گفت که اینها و شنیدن از آنها مذکور است.

این از میوه‌های اندامیه مذکور است. معلوی می‌گفت که اینها و شنیدن از آنها مذکور است.

این از میوه‌های اندامیه مذکور است. معلوی می‌گفت که اینها و شنیدن از آنها مذکور است.

این از میوه‌های اندامیه مذکور است. معلوی می‌گفت که اینها و شنیدن از آنها مذکور است.

این از میوه‌های اندامیه مذکور است. معلوی می‌گفت که اینها و شنیدن از آنها مذکور است.

این از میوه‌های اندامیه مذکور است. معلوی می‌گفت که اینها و شنیدن از آنها مذکور است.

این از میوه‌های اندامیه مذکور است. معلوی می‌گفت که اینها و شنیدن از آنها مذکور است.

این از میوه‌های اندامیه مذکور است. معلوی می‌گفت که اینها و شنیدن از آنها مذکور است.

این از میوه‌های اندامیه مذکور است. معلوی می‌گفت که اینها و شنیدن از آنها مذکور است.

جامعه‌شناسی انتقادی		جامعه‌شناسی تسبیبی	
موضوع	هدف	موضوع	هدف
تشهید، انتقاد و مذکور است.	استدلال از ارضی موجود است.	تشهید، انتقاد و تسبیب است.	استدلال از ارضی موجود است.
نمایشی و تجزیه ای.			
بندهایی مذکور است.	بندهایی مذکور است.	بندهایی مذکور است.	بندهایی مذکور است.
پرسیدن به آنها.	پرسیدن به آنها.	پرسیدن به آنها.	پرسیدن به آنها.

۱	علم جستجوی مکدود و نظریه اسلامی	۴	فرانز کوبیتی هنری
۲	علم جستجوی مکدود و نظریه اسلامی	۵	فرانز کوبیتی هنری
۳	علم جستجوی مکدود و نظریه اسلامی	۶	فرانز کوبیتی هنری
۴	علم جستجوی مکدود و نظریه اسلامی	۷	فرانز کوبیتی هنری
۵	علم جستجوی مکدود و نظریه اسلامی	۸	فرانز کوبیتی هنری



۳۱۶ در دوره جدید اروپا، این جریان تجربه‌گرایی بود که حضور فعالتر و تأثیرگذارتری بر فرهنگ و زندگی اروپاییان معاصر داشته است. دانشمندان این جریان فکری به این سو تمایل دارند که یا اصولاً وجود «نفس» را انکار کنند و انسان را یک موجود مادی بدانند و یا نفس را جزی فرعی نسبت به بدن تلقی کنند و از آثار و لوازم بدن به شمار آورند.

۳۱۷ افلاطون، ارسطو، دکارت و کانت معتقدین به روح و بدن هستند، اما هایز، مارکس و داروینیست‌ها معتقدین به انسان تک‌ساخته بودند.

۳۱۸ ابن سینا بود که همچون عارفان برای روح جایگاهی بسیار رفیع در نظام خلقت قائل شد و برای توصیف بی‌قراری و کوشش روح برای رسیدن به جایگاه اصلی اش، شعری به زبان عربی سرود و وضعیت روح را با بیانی تعبیلی، در آن شرح داد.

۳۱۹ از نظر افلاطون، در صورتی عمل انسان در جهت سعادت است که بنا به فرمان و راهنمایی عقل انجام پذیرد. یعنی قوه غضب و قوه شهوت، تحنیت و حکومت عقل باشند و با راهنمایی عقل عمل کنند. وی می‌گوید اگر عقل که از فضیلت حکمت برخوردار است، حاکم باشد، قوه شهوت «خویشنزاری» پیش می‌گیرد و قوه غضب متصف به «شجاعت» می‌شود و - برایند و نتیجه چنین سامانی، برقراری «عدالت» میان قوای عقل و شهوت و غضب و در سراسر شخصیت انسان است. اما ارسطو، شاگرد افلاطون که درباره معیار فعل اخلاقی نزدیک به استاد خود دارد، معتقد است که اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود، انسان به اعتدال در قوا مرسد و همین اعتدال، عامل سعادت و نیکبختی انسان است به اعتقاد ارسطو، شهوت و غضب همواره در معرض افراط و تغفیر هستند اما عقل می‌تواند مانع این افراط و تغفیر شود؛ البته شرط لازم برای چنین امری این است که خود عقل رشد کرده و به درجات مناسبی از معرفت دست یابد تا خودش دچار افراط و تغفیر نشود. بنابراین از نظر ارسطو، اگر قوای وجودی در خط اعتدال باشند انسان به سعادت می‌رسد.

۳۲۰ ابن سینا و دیگر فلاسفه مسلمان، دیدگاهی نزدیک به افلاطون و ارسطو دارند. آنان نیز عقل را منبع شناخت فضیلت‌ها و رذیلت‌ها می‌دانند. فلاسفه مسلمان می‌گویند: با این که انسان می‌تواند فضائل و رذائل را بشناسد و حتی به آن‌ها علاقه بورزد، اما این علاقه به تنها یعنی نمی‌تواند باعث ترک رذیلت و کسب فضیلت شود. از نظر آنان، علاوه بر این تعابیل ذاتی، پشت‌وانه‌ای دیگر هم لازم است تا هنگام تضاد میان تعابیلات حیوانی و فضائل اخلاقی انسان بتواند فضائل را بر تعابیلات ترجیح دهد. ابن پشتنه به اعتقاد فلاسفه مسلمان خداست؛ اگر خداوند نیز ما را به کسب فضائل ترغیب و از رذائل منع نماید و برای آن‌ها پاداش و مجازات معین فرماید، میل به فضائل در انسان تقویت می‌شود. البته اعتقاد به خداوند، گرچه عامل تقویت‌کننده است، اما به این معنا نیست که عمل به فضیلت قطعی و حتمی می‌شود، زیرا در هر صورت، انسان موجودی مختار و با تعابیلات قوی و شدید است و ممکن است برای رسیدن به آن تعابیلات، از فرمان خدا هم سرپیچی نماید.

۳۲۱ وقتی ملتوس خطاب به سقراط گفت: «بلی تو منکر خدایان هستی»، سقراط در پاسخ به ملتوس عبارت را گفت که می‌توان از آن چنین برداشت که وی به خدایی گرفتن خورشید و ماه را نادرست نمی‌داند و این عبارت، این است: «منظورت این است که من خورشید و ماه را به خدایی نمی‌پذیرم؟» از سویی دیگر، سقراط کسی را مستحق سرزش و مجازات می‌داند که در جست‌وجوی دانش و حقیقت از دستور خدا سرپیچی کند، نه کسی که ماه و خورشید را به خدایی پذیرد.

۳۲۲ در چیستی و ماهیت معرفت می‌خوانیم که معنا و مفهوم معرفت و شناخت، روشن است و نیازی به تعریف ندارد و اگر ابهامی هم از جهت کلمه و لغت باشد، حداکثر با بیان معادلی ابهام رفع می‌شود؛ مثلاً می‌گوییم معرفت، همان دانستن و آگاهی نسبت به چیزی است.

هم‌چنین این که ما می‌دانیم که علی‌رغم گستردگی شناخت و فهم ما از جهان و خود، باز هم شناخت ما بسیار محدود است؛ یعنی ما آگاه هستیم که در کنار دانسته‌ها و آموخته‌ها، حقایق فراوان دیگری هم در عالم هست که آن‌ها را نمی‌دانیم و نمی‌شناسیم، به امکان شناخت ما از پدیده‌های جهان بازمی‌گردد. در قلمرو شناخت نیز این مسئله بررسی می‌شود که آیا انسان فقط امور محسوس را می‌تواند بشناسد یا علاوه بر امور محسوس، امور نامحسوس را هم می‌تواند بشناسد.

۳۲۳ از آن جاکه بشر به طور طبیعی به امکان شناخت خود و پدیده‌های دیگر باور دارد و وجود اشتباه را به معنای ناتوانی در کسب معرفت تلقی نمی‌کند، از ابتدای زندگی خود روی زمین، برای درک خود و جهان پیرامون خویش تلاش کرده است. نتیجه این تلاش مستمر، دستیابی انسان به دانش‌های مختلف در رشته‌ها و شاخه‌های گوناگون علم است. همین پیشرفت، خود دلیلی بر توانایی بشر برای رسیدن به معرفت است.

۳۲۴ عقل قادر است بدون استفاده از یافته‌های تجربی و صرفاً با تفکر و چینش استدلل، به حقایقی برسد و دانش‌هایی را پایه‌گذاری کند. به این قبيل دانش‌ها «شناخت عقلی» می‌گوییم. بسیاری از دانستنی‌های ریاضی از این قبيل هستند. فلسفه نیز همین‌گونه است. ذات و صفات خداوند را نیز نمی‌توان با حس و تجربه درک کرد و شناخت آن‌ها مستلزم پره‌گیری از قواعد شناخت عقلی است. اما درک مصاديق علیت از طریق حس و تجربه صورت می‌گیرد.

۳۲۵ نسبی‌گرایان بر این باورند که هر فرد متناسب با ویژگی‌های خود، درباره امور به شناختی می‌رسد که با شناخت افراد دیگر متفاوت است. بنابراین شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد. پوزیتیویست‌ها از جمله اوگوست کنت علاوه بر این که تنها راه رسیدن به شناخت و معرفت را تجربه می‌دانستند، معتقد بودند که اصولاً آن دسته از مفاهیم و گزاره‌ها که تجربه‌بذری نیستند و از طریق تجربه نمی‌توانند مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرند، بی معنا هستند. بنابراین دیدگاه، مفاهیمی مانند خدا، اختیار، نفس و روح که تجربه درباره نمی‌باشد آن‌ها نمی‌توانند نظر دهد، معنای روشمنی ندارند. لذا اصولاً قابل بررسی علمی نیستند.

۳۲۶ جمله علامه طباطبائی ← ... اگرچه ریشه این نظر در کلمات معلم ثانی، ابن سینا، شیخ اشراق و خواجه ناصرالدین طوسی نیز به چشم می‌خورد ... »